نگاه بیرون

ائتلاف بی‌سابقه روحانی و لاریجانی

The Washington Post

سیدحسین موسویان

● با ادامه کشمکش‌ها در ایران و آمریکا بر سر توافق هسته‌ای، روشن است که کنگره با نقش‌برآب‌کردن توافق، خطر بسیار بزرگی را متوجه آن می‌کند. توان کنگره برای ایفای نقش «کاربرهم‌زن» و تضییع توافق، در تحرکاتش در ترویج فضای نامطمئن در ارتباط با برچیدن تحریم‌های ضدایرانی دیده می‌شود. تأثیر توافق هسته‌ای تا حد زیادی به این بستگی دارد که گروه ۱+۵ به جامعه تجارت جهانی اطمینان دهد که تحریم‌ها برچیده شده است و ایران برای دادوستد آمادگی دارد. برداشتن تحریم‌ها به نحوی که برای ایران منافع ملموسی داشته باشد، مستلزم ایجاد انتظارات به‌گونه‌ای است که طرف‌های تجاری احساس نکنند سرمایه‌هایشان در معرض دسیسه سیاسی کنگره یا آینده رئیس‌جمهوری آمریکا قرار دارد؛ اما موفقیت توافق هسته‌ای برای ایران از این جهت مهم است که به منافع واقعی و فراوان از قبل لغو تحریم‌ها دست یابد.دولت روحانی با افزایش عمل‌گرایی از میراث خود در ایجاد موفقیت اقتصادی برای ایرانی‌ها محافظت کرده و توافق هسته‌ای و عادی‌سازی روابط این کشور با غرب به‌عنوان عامل حیاتی برای تحقق این هدف در نظر گرفته شده است. درواقع، نتیجه موفقیت‌آمیز مذاکرات هسته‌ای به عمل‌گرایی جدید در ایران منتهی شده است؛ روندی که با تصمیم‌سازان برجسته‌ای که دیدگاه میانه‌روتری درخصوص سیاست داخلی و خارجی دارند، تجسم یافته است. این پدیده، ائتلاف چهره‌های سیاسی از اردوگاه‌های مخالف به‌عنوان‌مثال حسن روحانی و علی لاریجانی، رئیس مجلس، را به‌همراه داشته است. این ائتلاف بی‌سابقه، یک پیشرفت قابل‌توجه در دورنمای سیاسی ایران به‌شمار می‌رود و جای عمل‌گرایی را به‌عنوان یک نیروی سیاسی محسوس در این کشور پیدا کرده است. آنچه باید از اهمیت ویژه‌ای برای سیاست‌گذاران غربی برخوردار باشد، این است که دورنمای همکاری بیشتر ایران مسئولیتی برعهده آنهاست که به طور متقابل تعامل عمل‌گرای ایران را به‌همراه دارد.اما عمل‌گراها در ایران تا اینجا انتقاداتی را از جانب تندروها متوجه خود کرده و به امتیازدهی بیش‌ازحد در مقوله هسته‌ای متهم شده‌اند. اگر مزیتی در قبال این امتیازدهی وجود نمی‌داشت، عمل‌گرایی به حاشیه رانده می‌شد و ایران مجبور بود از تعهدات خود عدول کند. ازاین‌رو، لغو تحریم‌ها برای برخورداری از ایرانی با رفتار دوستانه‌تر از اهمیت بالایی برخوردار است.هرچند به موجب توافق هسته‌ای شرح‌داده‌شده در قطع‌نامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، بخش اعظم تحریم‌های ضدایرانی این سازمان و اتحادیه اروپا از میان برداشته می‌شود، بسیاری، از حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ایران نگران هستند. به عقیده بسیاری، لفاظی‌ها در مورد شکست توافق هسته‌ای یا اعمال تحریم‌های جدید ممکن است بسیاری از تجار خارجی را از بیم تحریم‌ها از فعالیت در ایران بازدارد. چنانچه عناوین خبری رسانه‌ها صحت داشته باشد، به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاران اروپایی از بابت احتمال اعمال تحریم‌های جدید خیلی نگران نیستند. بااین‌حال، دولت اوباما و دیگر قدرت‌های ۱+۵ باید بدانند که تأثیر تحریم‌ها بر اراده لغو آنها به‌منظور حفظ مصالحه و دوستی مبتنی است. آنها باید با هر اقدامی که ایران را از دستیابی به هدف لغو تحریم‌ها بازدارد، مقابله کنند. پایمال‌شدن توافق در کنگره، قطعا به افراط‌گرایی منجر می‌شود؛ به‌علاوه، توافق هسته‌ای ظرفیت لازم برای ایجاد پیامدهای مثبت برای خاورمیانه و روابط ایران با غرب را داراست.

خبر

بعیدی‌نژاد: سناریو رأی‌ندادن کنگره به توافق، محتمل نیست

● **ایسنا:** حمید بعیدی‌نژاد، مدیرکل سیاسی وزارت امور خارجه ایران در رابطه با اینکه اگر کنگره آمریکا برجام را تصویب نکند ما صرفاً توافق را با اعضای گروه ۱+۵ و اروپاییان ادامه خواهیم داد یا خیر؟ تأکید کرد: آمریکایی‌ها تا زمانی‌که برایشان مهلت تعیین شده می‌توانند متن برجام را تأیید کنند و پس از تصویب این سند است که باید به آینده آن فکر کرد. تصویب متن برجام در سیستم آمریکا مربوط به خود این کشور می‌شود و ما در پروسه‌های مربوط به آمریکا داخل نمی‌شویم و آنها هم بر اساس زمان‌بندی‌ای که مقرر شده است، می‌توانند تصمیم خود را بگیرند و با دولتشان به جمع‌بندی برسند. اگر هم به هر دلیلی کنگره رأی ندهد، اوباما آن را وتو کرده و اگر وتوی رئیس‌جمهور آمریکا نیز رد شود، باید بدانیم که در شرایط جدیدی قرار گرفته‌ایم. این سؤال که چقدر این سناریو محتمل است و درحال‌حاضر باید عکس‌العملی به آن نشان داد یا خیر، جوابش این است که فعلا زود است و این سناریویی نیست که بخواهیم به آن عکس‌العملی نشان دهیم و به نظرم سناریو محتملی هم نیست.

اکران دوباره سناریوی «الخُبَر»

شرق: برخی حوادث تاریخ‌مصرفشان به‌سر نمی‌آید و برخی می‌توانند هرازگاهی یک‌بار آن را رونمایی کنند؛ مثل حادثه‌ای مرتبط با ۱۹ سال پیش در عربستان که به‌تازگی پرده‌ای جدید از آن رونمایی شده است. در سال ۱۹۹۶ در جریان انفجار در برج‌های الخُبَر در عربستان‌سعودی، ۱۹ نفر از پرسنل نیروی هوایی ایالات‌متحده کشته شدند. بمب در کامیونی جاسازی شده و خودرو به خوابگاه هشت‌طبقه نیروهای آمریکایی کوبیده شده و منفجر می‌شود و نیویورک‌تایمز آن را «یکی از مهلک‌ترین حملات به نیروهای آمریکایی» می‌داند. ماجرا اما هفته گذشته با دستگیری فردی با نام «احمد المغسل» احیا شد؛ خبری که روزنامه الشرق‌الاوسط منتشر کرد و او را طراح انفجار الخبر عربستان معرفی کرد. اما آنچه این ماجرا را به ما مربوط می‌کند این است که «الشرق‌الاوسط» مدعی شده این فرد «رهبر حزب‌الله حجاز و متحد ایران» است.

باوجود تأکید ایران بر نبود هرگونه ارتباطی میان خود و عاملان این انفجار، مروری بر پیشینه این حادثه ۱۹ساله، نشان می‌دهد که به‌دنبال این انفجار، تلاش دامنه‌داری برای انتساب ارتباط این انفجار با ایران صورت گرفت. همان‌طور که روزنامه نیویورک‌تایمز در نسخه روز شنبه خود ادعای ۹ سال پیش واشنگتن و ریاض در این حادثه را بازنشر کرد: «سال ۲۰۰۶ دادگاه ایالتی آمریکا به این نتیجه رسید که ایران یک گروه سعودی شیعه را حمایت و سرپرستی کرده و همین گروه مسئول حمله تروریستی به برج الخبر بوده است. این خود یکی از دلایل تشدید دشمنی میان ایران و ایالات‌متحده شد». این ماجرا همان زمان موجب تیرگی روابط تهران- ریاض و تیره‌ترشدن رابطه تاریک تهران- واشنگتن شد. المغسل که به «ابوعمران» شهرت دارد، در شهر شیعه‌نشین قطیف متولد شده است. دادگاه ایالتی آمریکا در سال ۲۰۰۱ کیفرخواستی ارائه و در آن ۱۴ مظنون این پرونده را معرفی کرد که ۱۲ نفر از آنان از اقلیت شیعه عربستان‌سعودی و یک‌نفر عضو حزب‌الله لبنان بودند. المغسل نیز به‌عنوان مغز متفکر آنان معرفی شد. همان سال دولت عربستان مدعی شد ۱۳ نفر از مظنونان این حادثه را بازداشت کرده اما حاضر به تسلیم آنان به ایالات‌متحده نشد.

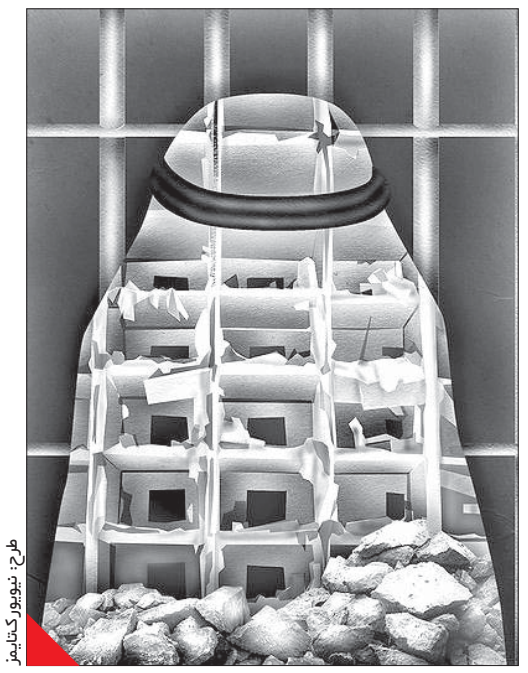

طرح: نیویورک‌تایمز

اما ماجرا مسکوت ماند تا هفته گذشته که عربستان مدعی بازداشت مظنون حادثه شد. اکنون ماجرا، دوباره باز شده است، آن‌هم در آستانه سفر ملک‌سلمان، پادشاه عربستان، به واشنگتن و دیدارش با باراک اوباما. این در حالی است که تحلیلگران امنیتی آمریکا معتقدند که باید بازجویی از فرد بازداشت‌شده و تحقیق در این موضوع به واشنگتن واگذار می‌شد اما عربستان‌سعودی از این موضوع طفره رفته است. درهمین‌حال، بسیاری معتقدند که اوباما در دیدارش با ملک‌سلمان باید به‌طور جدی به این موضوع بپردازد.

شاید بتوان گفت اینها همه رونمای شطرنج واشنگتن- ریاض است. چرا ریاض کمی پیش‌تر از بررسی توافق هسته‌ای در کنگره آمریکا، مدعی بازداشت عامل این حادثه شده است؟ مخالفان توافق در کنگره در هفته‌های گذشته بزرگ‌ترین اتهامی که به تهران روا داشته‌اند، دفاع از تروریسم و دخالت در مسائل منطقه بوده است. در همین شرایط ریاض تلاش کرده با مستمسک‌قراردادن یک پرونده کهنه، شاهدی برای ادعای دفاع از تروریسم ایران به دست مخالفان توافق بدهد، آن‌هم درحالی‌که همان‌زمان القاعده مسئولیت این حادثه را برعهده گرفته بود. به نظر می‌رسد مخالفان توافق هسته‌ای از آخرین برگ‌هایشان استفاده می‌کنند تا رأی مخالف بیشتری را با خود همراه کنند. سناریوی اکران دوباره پرونده نخ‌نمای حادثه الخبر در عربستان یکی از این برگ‌هاست.

محمدعلی مهتدی، پژوهشگر مسائل خاورمیانه در گفت‌وگو با «شرق»

قصه‌پردازی است

کیهان کیانی

اخیرا در بعضی از رسانه‌های وابسته به عربستان سعودی مطلبی منتشر شده مبنی بر اینکه شخصی در فرودگاه بیروت دستگیر شده که گذرنامه ایرانی داشته و مسئول انفجار برج‌های محل سکونت نظامیان آمریکایی در منطقه الخُبَر در عربستان بوده است. ماجرا چیست؟

بله، این مطلب را روزنامه «الشرق‌الاوسط» که از سوی عربستان در لندن منتشر می‌شود، چاپ کرده و روزنامه‌های دیگری نیز به نقل از الشرق‌الاوسط آن را منتشر کرده‌اند و به‌نظر می‌رسد که این موضوع نوعی داستان‌پردازی با هدف‌های سیاسی خاصی باشد.

حادثه الخُبَر اتفاقی مربوط به ۱۹ سال پیش است، بسیاری این حادثه را به یاد ندارند، چه اتفاقی آن زمان رخ داده که اکنون مدعی‌اند عامل آن دستگیر شده است؟

۱۹سال پیش در محوطه ساختمان‌هایی در منطقه «الخُبَر» عربستان سعودی که محل اسکان نیروهای آمریکایی بود، یک کامیون مواد منفجره وارد و منفجر شد که در نتیجه تعداد زیادی از نظامیان آمریکایی کشته شدند. شواهد، احتمال انتحاری‌بودن این حادثه را تقویت می‌کرد. وقتی کسی یک کامیون مواد منفجره را حمل می‌کند، قاعدتا حادثه، انتحاری بوده. منفجرکردن خود نیز، روشی است که معمولا القاعده استفاده می‌کرد و الان هم داعش استفاده می‌کند. یادم است که همان زمان مشخص بود که این کار را القاعده انجام داده و مسئولیت حمله را هم پذیرفت. در بیانیه‌ای که القاعده منتشر کرد، به حدیثی از رسول‌الله (ص) در «صحیح مسلم» استناد شده بود که: «اذا رأیتم الکفار نزلوا جزیرة العرب فاقتلوهم». یعنی «آن‌گاه که دیدید کفار درجزیره العرب فرودآمدند آنها را بکشید». القاعده اعلامیه داد که آمریکایی‌ها کافرند و ما طبق این حدیث مسئولیت این حادثه را رسما می‌پذیریم.

اما همان زمان انگشت اتهام این حادثه به سمت ایران رفت. روابط عربستان و ایران در آن زمان در چه سطحی قرار داشت که چنین اتهاماتی مطرح می‌شد؟

در آن زمان سعودی‌ها مایل نبودند که مسئولیت این انفجار را به گردن القاعده بیندازند، چرا که مشخص بود عربستان از القاعده حمایت می‌کند. اما آمریکایی‌ها روی عربستان فشار می‌آوردند که ایران را متهم کند. روابط ایران و عربستان سعودی در آن زمان خوب و عادی بود. روابط و تماس‌هایی بین ریاض و تهران برقرار بود و تهران هم گفت که اطلاعی [از حادثه] ندارد و آن را کار القاعده دانست. نوع اعلامیه هم این را نشان می‌دهد و ایران هم اصولا هیچ‌گاه دنبال چنین عملیات‌هایی نبوده است. در همان زمان، عربستان به ایران اتهام نزد، اما آمریکا که سابقه انفجار پادگان تفنگ‌داران آمریکایی در سال ۱۹۸۲ در بیروت را داشت و ایران را متهم کرده بود، مایل بود به ایران فشار وارد کند. عربستان در آن‌زمان نپذیرفت که ایران متهم شود و این مسئله مسکوت گذاشته شد. حتی آمریکایی‌ها می‌خواستند تحقیقاتی انجام دهند، اما عربستان سعودی نپذیرفت که آمریکایی‌ها وارد تحقیقات درباره این انفجار شوند. سعودی‌ها گفتند که خودشان این تحقیقات را انجام می‌دهند. شاید عربستان نمی‌خواسته موضوع حمایتش از القاعده، در این جریان آشکار شود.

ماجرای فردی که به‌تازگی دستگیر شده و برخی از رسانه‌ها به واسطه آن، ایران را متهم حادثه ۱۹۹۶ عربستان معرفی کرده‌اند، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

همچنان که اشاره کردم، آنچه روزنامه الشرق الاوسط لندن، وابسته به عربستان، اعلام کرده یک قصه‌پردازی است. گفته‌اند که شخصی به نام «احمد المغسل»، رئیس تشکیلاتی به نام حزب‌الله حجاز بوده و با کمک ایران، آن انفجار را انجام داده است. گفته‌اند که او اخیرا وارد بیروت شده و در فرودگاه بیروت بازداشت شده و به عربستان تحویل داده شده است. براساس این داستان، خواسته‌اند ایران را مسئول کشتار نظامیان آمریکایی معرفی کنند و گفته‌اند که عامل انفجار، یک سعودی بوده ولی تحت حمایت ایران قرار داشته و گذرنامه ایرانی هم داشته است. این قصه‌پردازی نقاط ضعف فراوانی دارد که نمی‌شود باور کرد. چطور بعد از ۱۹سال کسی را بازداشت می‌کنند و می‌گویند مسئول آن انفجار بوده است؟ آیا دستگاه‌های اطلاعاتی آنها پیش‌تر نمی‌دانستند یا نمی‌توانسته‌اند او را بازداشت کنند؟ این سؤال اکنون مطرح است. اگر چنین چیزی بود و شهروند سعودی با گذرنامه ایرانی به لبنان رفته، از نظر امنیتی مسائل زیادی مطرح می‌شود. چرا به بیروت رفته و چطور دستگیر شده؟ درحالی‌که در فرودگاه بیروت، قبل از خروج مسافر از فرودگاه به قصد شهر، نمی‌توان او را بازداشت کرد. به‌علاوه اینکه مسئول امنیت فرودگاه، با امنیت عمومی لبنان است و هیچ ارتباطی با عربستان سعودی ندارد. آنها ادعا کرده‌اند که بخش امنیتی نیروی انتظامی که اصلا در فرودگاه حضور ندارد، او را بازداشت کرده است. چرا این شخص را نشان نداده‌اند؟ چرا عکس وی و گذرنامه‌اش را چاپ نکرده‌اند؟ تنها یک عکس قدیمی و سیاه‌وسفید چاپ کرده‌اند که معلوم نیست به چه کسی تعلق دارد. چگونه تحویل عربستان داده شده، درحالی‌که بین لبنان و عربستان، معاهده استرداد مجرمین وجود ندارد. روزنامه‌های بیروت و جهان عرب به موضوع جالبی اشاره کرده‌اند و آن اینکه از نظر امنیتی، حزب‌الله لبنان حضور مؤثری در فرودگاه بیروت دارد، چگونه ممکن است کسی به‌عنوان رئیس حزب‌الله حجاز وارد فرودگاه بیروت شود و حزب‌الله لبنان اجازه بازداشت او را بدهد؟ اصلا معلوم نیست چنین شخصی وجود خارجی دارد یا خیر. مجموعه این سؤال‌ها نشان می‌دهد که یک سناریوی شتاب‌زده نوشته شده تا ایران را به انفجار ۱۹ سال پیش متهم کنند.

جمعه این هفته، ملک سلمان، پادشاه عربستان در واشنگتن با اوباما دیدار می‌کند. از سوی دیگر ۲۶ شهریورماه، کنگره آمریکا، توافق هسته‌ای با ایران را به رأی می‌گذارد. داستان الخبر می‌تواند با موضوع رأی‌گیری در مورد برجام، مرتبط باشد؟

بله؛ هدف این قصه‌پردازی همین است که روی افکار عمومی آمریکا و روند رأی‌گیری تأثیر بگذارند. به نظر من این سناریو با همکاری اسرائیل ریخته شده است. اوباما مایل است که توافق هسته‌ای تصویب شود و از چنین جنجالی که ایران را به اقدام تروریستی متهم می‌کند، سودی نمی‌برد. به نظر می‌آید اسرائیلی‌ها که امکانات اطلاعاتی دارند، به طور مشترک با عربستان در پی این هستند که توافق هسته‌ای بین ایران و ۱+۵ در وین را خنثی کنند و مانع تصویب آن در کنگره آمریکا شوند. هدف این سناریو صرفا تأثیرگذاری بر کنگره و افکارعمومی آمریکا برای ممانعت از تصویب توافق وین در کنگره آمریکاست. ملک‌سلمان قرار است به واشنگتن برود. به نظر می‌رسد که سلمان، با توجه به بیماری‌اش، عملا شخصیت تصمیم‌گیر نیست، بلکه پسرش محمد بن سلمان است که بانی این تصمیمات عجولانه است. به‌طور حتم می‌خواهند زمانی که هیأت سعودی با اوباما ملاقات می‌کند، با به‌وجودآوردن این فضای تبلیغاتی، بر دولت اوباما فشار بیاورند. در این تردیدی نیست.

چه میزان ممکن است ادعای تازه عربستان در رأی‌گیری کنگره درباره برجام تأثیر بگذارد؟ آیا این اتهام می‌تواند برگ برنده عربستان باشد؟

فراموش نکنیم که این، یک کار تبلیغاتی و رسانه‌ای است. باید دید که بُرد رسانه‌ای این قصه‌پردازی روی افکار عمومی و سناتورهای کنگره چقدر خواهد بود؟ ما هم باید اقداماتی رسانه‌ای، برای خنثی‌کردن این قصه‌پردازی انجام دهیم. دولت اوباما هم از این قصه‌پردازی زیان می‌بیند. آنها هم به‌طور حتم باید اقداماتی انجام دهند و بدانند که اسرائیل هم پشت این قصه است. در داخل آمریکا نشان داده شده که گزارش‌های اطلاعاتی نادرست، در گذشته بسیار منتشر شده و درحال‌حاضر هم منتشر می‌شود. در روزنامه‌های خود آمریکا گزارش‌هایی منتشر شده که دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا در مورد داعش گزارش‌های دروغینی به اوباما داده بودند تا دولت را گمراه کنند. در زمان بوش پسر هم سی‌آی‌ای گزارش‌های دروغینی ساخت تا حمله نظامی بوش به عراق را توجیه کند. به نظر می‌آید این کار دستگاه‌های اطلاعاتی جاسوسی است و آنها با تمام قوا فعالیت می‌کنند تا مانع تصویب برجام در کنگره شوند.

در جدیدترین مورد، نیویورک‌تایمز در مطلبی در همین مورد خواستار این شده که عربستان این فرد را برای انجام بازجویی به آمریکا تحویل دهد. آیا چنین چیزی ممکن است؟

من این موضوع را در الشرق‌الاوسط لندن خوانده‌ام و مطلع نیستم که واقعا چنین درخواستی مطرح بوده است. اگر آن‌طور که حدس می‌زنم عربستان و اسرائیل با هم این سناریو را ریخته باشند، به‌طور حتم، عربستان آن شخص را، اگر وجود خارجی داشته باشد، تحویل نخواهد داد. آنها ممکن است مطالبی تحت عنوان اعترافات این شخص مطرح کنند، که صحت آن مشخص نیست. دولت اوباما طرف متضرر این سناریو است.

آیا ایران در واکنش به این ماجرا می‌تواند اقدامی انجام دهد؟

قاعدتا ایران باید در این مورد اقدام کند و مسئولان ذی‌ربط این اتهامات را تکذیب کنند. البته تا این لحظه این داستان‌سرایی صرفا روزنامه‌ای بوده و من آن را از زبان یک مسئول سعودی یا آمریکایی نشنیده‌ام. هرچند سخنگویان رسمی ما ملزم به پاسخ‌گویی به هر چه که روزنامه‌ها می‌نویسند نیستند، بااین‌حال باید اقدامات لازم جهت خنثی‌کردن این تبلیغات گمراه‌کننده صورت گیرد.

کوتاه دیپلماسی

وزیرخارجه انگلیس:

نمی‌توان اتفاقات گذشته را برگرداند

● **ایرنا:** «فیلیپ هاموند» در گفت‌وگو با شبکه خبر درباره کودتای ۲۸ مرداد و دخالت انگلیس و آمریکا در سرنگون‌کردن دولت مصدق گفت: «اتفاقات بسیاری در گذشته رخ داده است، ایران و بریتانیا تاریخی بسیار پیچیده و طولانی دارند؛ نمی‌توانیم آنچه را که در گذشته اتفاق افتاده برگردانیم و تاریخ را بازنویسی کنیم؛ به‌جای تمرکز روی وقایعی که در قرن بیستم یا حتی قرن ۱۹ رخ داده است باید رو به جلو حرکت کنیم و به‌دنبال برقراری روابط مثبت در قرن بیست‌ویکم و آینده باشیم». وزیر امور خارجه انگلیس با اشاره به دیدارها و مذاکرات با وزیر امور خارجه کشورمان طی سال‌های اخیر خاطرنشان کرد: من و آقای ظریف آشنایی کاملی با یکدیگر داریم و در جریان مذاکرات هسته‌ای در ژنو و لوزان روزهای زیادی را با یکدیگر گذرانده‌ایم. در مذاکرات به حوزه‌های مختلفی پرداختیم که در برخی از موضوعات ایران و انگلیس با یکدیگر تفاهم دارند و در برخی موضوعات دیگر اختلاف‌نظر دارند. او با بیان اینکه تهران و لندن باید پیگیر یافتن حوزه‌هایی برای همکاری باشند، افزود: ما در قبال چالش‌های پیش‌روی جهان تحلیل‌های مشابهی داریم. همچنین باید راهی پیدا کنیم تا بتوانیم حوزه‌هایی را که با یکدیگر توافق نداریم مدیریت کنیم. در بخش دیگری از این گفت‌وگوی خبری، مجری خطاب به هاموند گفت مردم ایران به دلیل آنچه که در گذشته رخ داده است، به انگلیس بی‌اعتماد هستند. شما چطور می‌توانید این بی‌اعتمادی را بازسازی کنید که هاموند پاسخ داد: اجازه دهید من هم به این نکته اشاره کنم که مردم انگلیس هم به ایران اعتماد ندارند. باید بگویم بی‌اعتمادی‌های عمیقی بین دو طرف شکل گرفته است که در رخدادهای گذشته و نبود درک متقابل از افکار یکدیگر ریشه دارد.

بریده اخبار

- الجزایر و تونس مقصد سفر منطقه‌ای ظریف/ شرق
- روانچی: ایران تعامل با آمریکای‌لاتین را از اولویت‌های خود می‌داند/ ایرنا
- نامه ۵۵۲ استاد ایرانی در حمایت از سیاست خارجی دولت/ شرق